ره توشه سفر آخرت

محمداحسان آزادی

در نوشتار حاضر نویسنده با تاکید بر موقتی‌بودن زندگی در دنیا و ضرورت تدارک برای سفر ابدی در آخرت، از تقوا به عنوان بهترین ره توشه این سفر یادی می‌کند که آن نیز با انجام اعمال صالح به دست می‌آید.

***

براساس آموزه‌های قرآن، مرگ یکی از آفریده‌های خدا است که مسئولیت انتقال نفس و روان آدمی از دنیا به آخرت را برعهده دارد؛ بنابراین، همان‌طوری که حیات و زندگی یک حقیقت و آفریده الهی است(ملک، آیه ۲)، موت و مرگ نمی‌تواند به معنای «فوت» یا نیستی باشد؛ بلکه عامل انتقال کامل نفس انسانی از دنیا به آخرت است؛ از همین رو از مرگ به عنوان «توفی» یاد شده است که از ریشه «وفا» به معنای گرفتن کامل چیزی است. این بدان معنا است که خدا نفس انسان‌ها را با مرگ به‌طور کامل می‌گیرد و به جهانی دیگر منتقل می‌کند.(زمر، آیه ۴)

از آنجا که سازه‌های بهشتی و دوزخی در آخرت چیزی جز اعمال دنیوی انسان نیست، هر انسانی باید بداند که چه چیزی می‌کارد و چه چیزی در آخرت درو می‌کند.

این گونه است که پیامبر(ص) درباره حقیقت مرگ می‌فرماید: ما خلقتم للفناء بل خلقتم للبقاء و انما تنتقلون من دار الی دار؛ شما برای معدوم شدن و نابود گشتن آفریده نشده‌اید، بلکه برای بقاء و ابدیت بوجود آمدید؛ و جز این نیست که به واسطه مردن از خانه‌ای به خانه دیگری کوچ می‌کنید.» (بحارالانوار، طبع کمپانی، ج ۱۴، ص ۴۰۹)

امیرمومنان علی(ع) نیز در خطبه‌اش می‌فرماید: ای مردم، بامداد کردید در حالی که هدف‌های تیرهای مرگ هستید که شما را نشان کرده است، از سوی دیگر دارایی‌های شما غارتگاه مصیبت‌ها و پیشامدهای ناگواراست.

آنچه خوراکی در دنیا می‌خورید برای شما در آن خوراکی استخوانی گلوگیر است، و با آنچه می‌آشامید برایتان در آن آشامیدنی آب جستنی در گلو هست و خدا را گواه می گیرم به هیچ نعمتی از نعمت‌های دنیا نرسید که بدان خوشحال شوید، جز اینکه نعمت دیگری را از دست دهید که آن را گرامی داشته‌اید. ای مردم! ما و شما آفریده شدیم برای ماندن نه برای نابود شدن، پس این‌گونه نیست که با مرگ نابود شویم، بلکه از سرایی به سرای دیگر جا به جا شویم. پس توشه گیرید برای آنجا که خواه و ناخواه بدان جا روید و برای همیشه در آن بمانید.(الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، سالار دیلمی، ج ۱، ص ۲۳۸؛ بحار الانوار، ج ۳۷، ص۱۴۶)

از نظر قرآن، انسان مسافر آخرت است و دنیا تنها همانند پلی است که عاقل در آن ساکن نمی‌شود، بلکه گذرگاهی می‌داند که می‌بایست از آن بگذرد؛ چنانکه امیرمومنان می‌فرماید: الدُّنْیَا دَارُ مَمَرّ لَا دَارُ مَقَرّ وَ النَّاسُ فِیهَا رَجُلَانِ رَجُلٌ بَاعَ نَفْسَهُ فَأَوْبَقَهَا وَ رَجُلٌ ابْتَاعَ نَفْسَهُ فَأَعْتَقَهَا؛ دنیا سرای گذشتن است نه سرای ماندن، و مردم در آن دو دسته‌اند: دسته‌ای که خود را در آن به خواهش‌های نفس بفروشند؛ پس خویش را به کیفر آنها هلاک گردانند؛ و دسته‌ای که خود را به طاعت و بندگی بخرند؛ پس خود را از عذاب رستاخیز برهانند.(ترجمه و شرح نهج‌البلاغه، فیض‌الاسلام، ج ۶ ص ۱۱۵۰)

یا امام سجاد (ع) به اصحاب خود سفارش می‌فرمود: ای یاران من، برادران من، مواظب خانه آخرت باشید، من سفارش دنیا را به شما نمی‌کنم؛ زیرا شما بر آن حریص هستید و به آن چنگ زده‌اید. آیا نشنیده‌اید که حضرت عیسی به حواریون می‌گفت: دنیا پل است، از روی آن بگذرید و به آباد کردنش نپردازید! چه کسی روی موج آب خانه می‌سازد؟ موج دریا این دنیا است، به آن دلبستگی نداشته باشید.»(بحار الأنوار ، ج ۷۰ ص ۱۰۷؛ الامالی للمفید، ص ۴۳، ح ۱ عن أبی حمزةالثمالی؛ الخصال، ص ۶۵، ح ۹۵ عن الزهری)

بر اساس آموزه‌های قرآن، دنیا برای آدمی و جنیان جایی است که می‌بایست خود را در آن به گونه‌ای پرورش دهند و بسازند که در آخرت بتوانند زندگانی سعادتمندی داشته باشند؛ زیرا هر آنچه در دنیا می‌کارند، در آخرت همان را درو می‌کنند؛ چنانکه خدا می‌فرماید: یَوْمَ تَجِدُ کُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَیْرٍ مُحْضَرًا؛ روزی که هر کسی آنچه کار نیک به جای آورده و آنچه بدی مرتکب شده حاضر شده می یابد.(آل عمران، آیه ۳۰) هر چند که خدا براساس عدالت، چیزی بر بدی بدکاران نمی‌افزاید و جزای آنان «وفاق» (موافق با عمل آنان) است(نباء، آیه ۲۶)؛ اما نسبت به نیکوکاران به فضل خویش اضافاتی دارد و ثواب مضاعفی به آنان می‌دهد. (بقره، آیه ۲۶۱)

البته از نظر قرآن، هر چند عموم بدکاران همان جزای وفاق را خواهند داشت و نیکوکاران جزای مضاعف، ولی برخی از بدکاران که سنت بدی را به جا می‌گذارند یا گناهان بزرگ موثر بر اجتماع می‌گذارند، اینان نیز گرفتار کیفر مضاعف خواهند بود(فرقان، آیات ۶۸ و ۶۹)؛ از این دسته می‌توان به رهبران کفر و کافران و بازدارندگان مردم از راه حق (هود، آیات ۱۸ تا ۲۰) و نیز زنان پیامبر و منسوبان به رهبری و مسئولان عالی نظام اشاره کرد که خدا به آنان در این‌باره هشدار می‌دهد که اعمال ایشان در دنیا مجازات مضاعفی به دنبال خواهد داشت.(احزاب، آیه ۳۰)

پیامبر(ص) به‌عنوان مفسر و مبین قرآن (آل عمران، آیه ۱۸۷؛ نحل، آیات ۴۴ و ۶۴) به مقدمه بودن دنیا برای آخرت‌اشاره کرده و می‌فرماید: الدنیا مزرعه الاخره؛ دنیا کشتزار آخرت است. (ارشاد القلوب دیلمی ج ۱ ص ۸۹؛ عوالی اللئالی، ابن‌ابی‌جمهور احسائی: ج ۱ ص ۲۶۷ ح ۶۶؛ بحارالانوار، ج ۱۰۷ ص ۱۰۹)

از آنجا که سازه‌های بهشتی و دوزخی در آخرت چیزی جز اعمال دنیوی انسان نیست، هر انسانی باید بداند که چه چیزی می‌کارد و چه چیزی در آخرت درو می‌کند؛

چنان‌که مولوی با توجه به آموزه‌های اسلام می‌سراید:

از مکافات عمل غافل مشو
گندم از گندم بروید جو ز جو

و نیز می‌سراید:

این جهان کوه است و فعل ما، ندا
سوی ما آید نداها را صدا
چون که بد کردی بترس ایمن مباش
زانکه تخم است و بروياند خداش
پیش چشمت داشتی شیشه کبود
زان سبب عالَم کبودت می نمود
این ندانی کس پی کس چه کنی
عاقبت در چاه، خود را افکنی.

پس انسان باید بداند: هرچه کاری، بِدْرَوی/ از گُل، گُل و از خار، خار» سعدی شیرازی هم در این باره چنین می‌گوید:

نپندارم‌ای در خزان کشته جو
که گندم ستانی به وقت درو.

مرگ ناگهانی

از آنجا که مرگ، ناگهانی می‌رسد و انسان نمی‌داند کی و کجا از دنیا به سرای آخرت می‌رود(لقمان، آیه ۳۴)، انسان عاقل کسی است که خود را همیشه برای سرای آخرت و انتقال از این سرا به آن سرای ابدی آماده کرده و ره توشه مناسب برای آخرت فراهم کند.

خدا به انسان‌ها هشدار می‌دهد که مرگ زمانی می‌رسد که هیچ آمادگی برای رفتن ندارید: آنگاه به جای بدی بلا، نیکی نعمت قرار دادیم تا انبوه شدند و گفتند: پدران ما را هم مسلما به حکم طبیعت رنج و راحت می‌رسیده است پس در حالی که بی خبر بودند بناگاه گریبان آنان را گرفتیم. (اعراف، آیه ۹۵)

خدا در قرآن می‌فرماید: مجرمان چنان سرگرم دنیا و کارهای زشت خویش هستند در حالی که در خواب باشند؟! آیا اهل این آبادی‌ها، از این ایمنند که عذاب ما هنگام روز به سراغشان بیاید در حالی که سرگرم بازی هستند؟! آیا آنها خود را از مکر الهی در امان می‌دانند؟! در حالی که جز زیانکاران، خود را از مکر (و مجازات) خدا ایمن نمی‌دانند!(اعراف، آیات ۹۷ تا ۹۹)

پس از نظر قرآن، انسان خردمند خود را هرگز از مکر الهی ایمن نمی‌یابد و با هوشیاری تلاش می‌کند تا به گونه‌ای خود را برای سفر آخرت آماده کند که خواهان بازگشت یا مهلت برای عملی نباشد؛ زیرا نه مهلتی داده می‌شود و نه بازگشتی است؛ چنانکه خدا می‌فرماید: (آنها همچنان به راه غلط خود ادامه می‌دهند) تا زمانی که مرگ یکی از آنان فرارسد، می‌گوید: «پروردگار من! مرا بازگردانید! شاید در آنچه ترک کردم (و کوتاهی نمودم) عمل صالحی انجام دهم!»

از نظر آموزه‌های قرآن، انسان در مدت کوتاه عمر و در این «عصر» هستی می‌بایست چهار عمل اصلی صالح داشته باشد تا آخرتش تضمین شود: ایمان، عمل صالح ، توصیه دیگران به حق، و توصیه دیگران به صبر.

بهترین توشه سفر آخرت تقواست و تقوا هم تنها با انجام اعمال صالح به دست می‌آید و آسان‌ترین راه شناخت اعمال صالح و نیک و انجام آنها عمل به آموزه‌ها و دستورات توضیح‌المسائل است.

(ولی به او می‌گویند): چنین نیست! این سخنی است که او به زبان می‌گوید (و اگر بازگردد، کارش همچون گذشته است)! و پشت سر آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند! (مومنون، آیات ۹۹ و ۱۰۰)

همین که مرگ رسید دیگر جایی برای بازگشت نیست، چنانکه جایی برای مهلت‌خواهی نیست؛ از همین رو، وقتی محتضر می‌بیند که صدقه دادن برای آخرت تا چه اندازه اهمیت دارد، خواهان مهلتی برای صدقه و انفاق از اموال خویش می‌شود، ولی همین فرصت یک «عمل صالح» هم به او داده نمی‌شود. خدا در این باره می فرماید: از آنچه به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید، پیش از آنکه مرگ یکی از شما فرا رسد و بگوید: «پروردگارا! چرا (مرگ) مرا مدت کمی به تأخیر نینداختی تا (در راه خدا) صدقه دهم و از صالحان باشم؟!» خداوند هرگز مرگ کسی را هنگامی که اجلش فرا رسد به تأخیر نمی‌اندازد، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است (منافقون، آیات ۱۰ و ۱۱)

بهترین ره توشه سفر آخرت

بر اساس آموزه‌های اسلام هر کسی باید برای آخرتش ره توشه بردارد که بهترین و برترین آنها تقوای الهی است. چنانکه خدا می‌فرماید: و برای خود توشه برگیرید که در حقیقت بهترین توشه پرهیزگاری است و ای خردمندان، از من پروا کنید. (بقره، آیه ۱۹۷)

پس هر کسی می‌بایست برای آخرت توشه‌ای بردارد تا در آنجا با سعادت زندگی کند، به ویژه که حتی بهشت سرزمینی است که با عمل انسان آباد می‌شود؛ از همین‌رو از آن به «قیعان» در روایت پیامبر(ص) یاد شده و فرموده است: الجنه قیعان و ان غراسها لااله الاالله؛ بهشت زمین بایر است و نهال‌هایی که در آن کاشته می‌شود لا اله الاالله است» (بحارالانوار، ج۳، ص۹۰)

در حدیثی دیگر آمده است: «ان‌الجنه قیعان، و ان غراسها سبحان‌الله، و الحمدلله، و لااله الاالله، و الله اکبر، و لاحول و لا قوه الا بالله؛ بهشت فعلا صحرایی خالی است بی‌کشت و زراعت که اذکار سبحان‌الله و الحمدلله و لااله الاالله و الله اکبر و لاحول و لاقوه الا بالله درخت‌هایی هستند که در آنجا کاشته می‌شوند.»(نگاه کنید: منهج الصادقین، ج ۱ ، ص ۳۳۷)

از نظر آموزه‌های قرآن، انسان در مدت کوتاه عمر و در این «عصر» هستی می‌بایست چهار عمل صالح داشته باشد تا آخرتش تضمین شود: ایمان، عمل صالح ، توصیه دیگران به حق، و توصیه دیگران به صبر. (عصر، آیات ۱ تا ۳)

البته در برخی از آیات مبنا و معیار کرامت انسان در آخرت، تقوا دانسته شده است.(حجرات، آیه ۱۳) پس هر چه درجات تقوای انسانی بالاتر باشد، به همان میزان درجات کرامت وی بالا می‌رود و در بهشت‌های هشت گانه درجایگاهی برتر قرار می‌گیرد و از درجه سعادت برتری نیز بهره خواهد برد؛ اما باید توجه داشت که این تقوای الهی تنها در سایه عبودیتی حاصل می‌شود که بندگان خدا بر اساس آموزه‌های اسلام انجام می دهند.(بقره، آیه ۲۱)

تقوای الهی تنها محدود به عبادیات محض همانند نماز و روزه نیست، بلکه شامل همه اعمال صالح فردی و اجتماعی می‌شود که در سوره عصر به اجمال و در آیات دیگر قرآن به تفصیل بیان شده است. به عنوان نمونه در کنار ایمان به غیب، باید عمل صالح نماز و انفاق مالی باشد تا انسان نشان دهد که از تقوای الهی کامل برخوردار است.(بقره، آیات ۲ تا ۵)

چنانکه بیان شد، امور اجتماعی چون انفاقات و صدقات مالی چنان ارزشمند است که حتی محتضر هنگام رویت و شهود عالم آخرت و برزخ(ق، آیات ۱۹ تا ۲۲) در می‌یابد که هر کسی انفاق داشته باشد، از بزرگترین و برترین عمل بهره‌مند شده است، و لذا، خواهان مهلتی برای صدقه و انفاق می‌شود. (منافقون، آیات ۱۰ و ۱۱)

همچنین از اعمال صالح می توان به عمل اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرد که در سوره عصر به اجمال و در آیات دیگر به تفصیل بیان شده است.(توبه، آیه ۷۱؛ آل عمران، آیات ۱۰۴ و ۱۱۴)

در آیات و روایات بسیاری به اعمالی اشاره شده که موجب ایجاد یا تقویت تقوای الهی به عنوان مهمترین ره توشه آخرت می‌شود.

به نظر می‌رسد که اگر کسی بخواهد در حوزه عمل صالح‌کاری بکند، از اول توضیح المسائل تا آخر آن عمل کند که همه اعمال نیک و مستحب و اعمال بد حتی مکروه را بیان کرده است.

این همان چیزی است که خدا در آیه ۲۱ سوره بقره می‌خواهد تا مردم این‌گونه با عمل به آموزه های اسلام آن تقوای الهی را کسب کنند و خود را به کرامت اکتسابی و سعادت اخروی برسانند.

به عبارت روشن‌تر بهترین توشه سفر آخرت تقواست و تقوا هم تنها با انجام اعمال صالح به دست می‌آید و آسان‌ترین راه شناخت اعمال صالح و نیک و انجام آنها عمل به آموزه‌ها و دستورات توضیح‌المسائل است.

تقوای الهی تنها محدود به عبادیات محض همانند نماز و روزه نیست، بلکه شامل همه اعمال صالح فردی و اجتماعی می‌شود که در سوره عصر به اجمال و در آیات دیگر قرآن به تفصیل بیان شده است. به عنوان نمونه در کنار ایمان به غیب، باید عمل صالح نماز و انفاق مالی باشد تا انسان نشان دهد که از تقوای الهی کامل برخوردار است.

پاسخ قرآن به شبهه انسان بودن پیامبر اسلام(ص)

۱- پاسخ نقضی

مشرکین معاند مکه برای نفی نبوت پیامبر اسلام(ص) به دلایل گوناگونی متوسل می‌شدند. یکی از این دلایل این بود که چرا پیامبر بشری چون خود ماست. بشر نمی‌تواند پیامبر باشد؛ زیرا بشر نیروی ماورایی ندارد! آیه ۷ سوره انبیا، در واقع پاسخی نقض به استدلال آن‌هاست. با این بیان که محمد پدیده‌ای نو و بدعتی در میان انبیا نیست. تمامی انبیای پیش از او نیز مردانی بودند که به آنان کتاب و شریعت وحی می‌شد.

وقتی کفار می‌گفتند: «هل هذا الا بشر مثلکم»؟ آیا این مرد، جز بشری مثل شماست؟! (انبیا-۳) این احتجاج‌شان، به دلیل این که پیامبران گذشته همه مردانی از جنس بشر بوده‌اند و بین بشر بودن و نبوت هم هیچ‌گونه منافاتی وجود ندارد، نقض می‌شود؛

۲- پاسخ حلی

مشرکان چنین می‌پنداشتند یا چنین بهانه‌جویی می‌کردند که انسان نمی‌تواند پیامبر برای انسان‌ها باشد.

نبی باید وجودی ویژه همچون فرشتگان داشته باشد! خداوند در جاهای مختلفی از قرآن این استبعاد و استدلال مشرکان را مطرح و به آن پاسخ داده است. چکیده پاسخ قرآن این است که تفاوت میان نبی و غیرنبی این نیست که صفات خاصی در نبی وجود داشته باشد که آن صفات در بشر وجود نداشته باشد و یا اگر آن صفات، بشری باشد، لازم باشد تمام انسان‌ها دارای آن صفات باشند؛ چنانکه گاه می‌گفتند: اگر بر محمد وحی می‌شود چرا بر ما وحی نمی‌شود؟! یعنی لازمه نبوت عدم سنخیت وجودی پیامبر با مردم نیست، بلکه سنخیت وجودی، شرط نبوت است و اگر فرضا بنا بود ملکی را پیامبر می‌کردیم می‌بایست بر روی زمین فرشتگانی راه می‌رفتند تا آن ملک پیامبر آن‌ها باشد.! نبوت و دریافت وحی الهی، کرامت ویژه‌ای است که خداوند به برخی از انسان‌های مستعد و لایق عنایت کرده و آنان را پیامبران خود به سوی دیگر انسان‌ها قرار می‌دهد. خداوند در آیه ۱۱ از سوره ابراهیم می‌فرماید: «پیامبران‌شان گفتند: ما نیز بشری همانند شما هستیم ولی خدا بر برخی از بندگانش که بخواهد منت می‌گذارد و (آنان را رسولان خود قرار می‌دهد) ما نمی‌توانیم معجزه‌ای جز به خواست خدا بیاوریم و مومنان باید بر خدا توکل کنند.» (المیزان، ج ۱۴، ص ۲۵۴)

موانع فرهنگی ازدواج را دست‌کم نگیرید

مسئله اشتغال با مسئله ازدواج ارتباط دارد و یکی از موانع ازدواج، همین مسئله اشتغال است؛ لیکن در مورد ازدواج، من عرض کنم: عزیزان من! موانع فرهنگی ازدواج را دست کم نگیرید. ازدواج برای جوانان لازم است و جوانان هم آن را می‌خواهند. البته موانعی هم وجود دارد، ولی همه موانع، اقتصادی نیست. موانع اقتصادی بخشی از مشکل است. عمده، موانع فرهنگی است - عادت‌ها، تفاخرها، تکاثرها، چشم و هم‌چشمی‌ها، تجمّل‌طلبی‌ها - اینهاست که یک مقدار نمی‌گذارد آن کاری که باید انجام گیرد، صورت پذیرد. باید شما و خانواده‌هایتان این گره‌ها را باز کنید. من از ازدواج‌های دانشجویی که هرسال برگزار می‌شود، بسیار خشنود و خرسندم. اگر عادت کنند که ازدواج‌ها را ساده، بی‌پیرایه و بی‌تشریفات انجام دهند، فکر می‌کنم که بسیاری از مشکلات حل خواهد شد. اساس ازدواج در اسلام بر سادگی است. در اوایل انقلاب نیز همین‌طور بود؛ منتها متأسفانه این فرهنگ تکاثر و تفاخر و سرمایه‌داری، یک خرده کار را مشکل کرد. متأسفانه بعضی از مسئولان هم با ازدواج‌های کذایی خانواده‌هایشان، مشکلاتی را درست کردند.

* بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۹/۱۲

*پایگاه‌اطلاع‌رسانی دفتر حفظ‌ونشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

در محضر امام خمینی(ره)

خدمت به مردم در جوانی

گاهی که خدمت امام می‌رسیدیم عرض می‌کردیم: اگر امکان دارد ما را نصیحتی بفرمایید.

معمولا امام این نصیحت را می‌کردند:

تا می‌توانیم در جوانی هر خدمتی را به مردم بکنید، هر عبادتی بکنید، قدر جوانی را بدانید که وقتی به سن من برسید، دیگر هیچ کاری نمی‌توانید بکنید. مثل من که هیچ کاری نمی‌توانم بکنم[1]

(۱) بهاءالدینی از اعضای بیت امام: برداشت‌هایی از سیره امام خمینی(ره) ج ۱، ص ۳۳۱.

استفتاء
از رهبر معظم انقلاب اسلامی

خون مردگی زیر ناخن و پوست

س) آیا خونی که به خاطر کوبیده شدن، زیر ناخن یا پوست می‌میرد، نجس است؟

ج) اگر طوری باشد که به آن خون نگویند، پاک است و اگر به آن خون بگویند، در صورتی که آب به آن برسد، باید برای وضو و غسل ـ اگر مشقت نداشته باشد ـ خون را بیرون آورند و اگر مشقّت دارد، باید اطراف آن را به‌طوری که نجاست زیاد نشود بشویند و پارچه یا چیزی مثل پارچه، بر آن بگذارند و روی آن به نیت وضو یا غسل، دست تر بکشند.

شک در طهارت چرم و اجزای حیوانات

س) چرم‌های طبیعی وارداتی که شک داریم از حیوانی است که ذبح شرعی شده یا نه، آیا نجس می‌باشد؟

ج) اگر بداند یا احتمال دهد حیوان ذبح اسلامی شده است، پاک است، وگرنه محکوم به نجاست است.

خمس درآمد کودک

س) پدری به فرزندش پول بخشیده و از طرف کودک در حساب بانکی گذاشته است، آیا خمس سودی که به این پول تعلق می‌گیرد، باید پرداخت شود؟ در صورت وجوب، پدر باید خمس آن را پرداخت کند؟

ج) پدر تکلیف ندارد، بنابر احتیاط واجب کودک باید پس از بلوغ، خمس سودی را که قبل از بلوغ به دست آورده و تا زمان بلوغ بر مِلکش باقی مانده است، بپردازد.

فعالیت اجتماعی بانوان

س) فعالیت اجتماعی بانوان در امور فرهنگی و مذهبی، چه حکمی دارد؟

ج) حضور زن در فعالیت‌های اجتماعی، اگر با حفظ ضوابط و جهات شرعی باشد و بدون خوف وقوع در حرام باشد، فی‌نفسه اشکال ندارد، ولی در هر حال خروج از منزل باید با اجازه شوهر باشد.

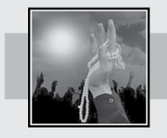

حکایت اهل راز

استدلال ساده و مستحکم علامه طباطبایی درباره وجود خدا

در ملاقاتی که دکتر تقی‌آرانی (فعال سیاسی کمونیست و از مهم‌ترین تئوریسین‌های مارکسیسم در ایران) با مرحوم علامه طباطبایی داشت، درباره وجود خدا صحبت می‌کند و علامه طباطبایی بسیار ساده و در عین حال بسیار مستحکم پاسخ وی را می‌دهد.

علامه طباطبایی از دکتر آرانی می‌پرسد: شما هستی یا نیستی؟ دکتر آرانی می‌گوید هستم. علامه سؤال می‌پرسد آیا این هستی را داشتی یا به تو دادند؟ دکتر آرانی پاسخ می‌دهد به من دادند، علامه طباطبایی می‌فرماید هر که این هستی را به شما داده ما اسم آن را خدا می‌گذاریم.

*به نقل از: ابراهیمی ترکمان رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

https://www.farsnews.com/printnews/۱۳۹۶/۰۲/۱۰

چراغ راه

برنامه‌ریزی، لازمه حل مشکلات

قال الامام علی(ع): «من قعد عن حیلته، اقامته الشدائد».

امام علی(ع) فرمود: کسی که از برنامه‌ریزی غفلت کند، مشکلات بر او خواهند آمد. [1]

۱- میزان‌الحکمه، ج۲، ص۵۵۱

حکایت خوبان

علل استواری دین در جامعه

امام علی(ع) درباره علل استواری دین در جامعه می‌فرماید:

استواری دین (در جامعه) به چهار کس (و گروه) است: ۱- به عالمی که بگوید و به گفته خود عمل کند، ۲-به ثروتمندی که از احسان خود به پیروان دین خدا دریغ نورزد ۳- به تهیدستی که آخرتش را به دنیایش نفروشد ۴- و به نادانی که از آموختن دانش تکبر نورزد. پس هر گاه عالم، علم خود را پنهان دارد، و ثروتمند در مال خود بخل بورزد، و تهیدست آخرتش را به دنیایش بفروشد، و نادان از تحصیل دانش (به خاطر تکبر) استنکاف ورزد، دنیا به قهقرا باز می‌گردد.

بنابراین فراوانی مساجد و پیکرهای گوناگون و پراکنده مردم، شما را نفریبد.

به امام(ع) عرض شد: ای امیر مومنان! در آن زمان چگونه باید زیست؟ حضرت فرمود: به ظاهر با آنان بیامیزید، و در باطن برخلاف آنان باشید.[1]

۱- میزان‌الحکمه، آیت‌الله ری شهری، ج ۹، ذیل کلمه فساد

پرسش و پاسخ

راهکارهای مبارزه با فساد (۵)

پرسش:

امام علی(ع) چگونه و با چه ساز و کاری جامعه اسلامی را که پیامبرگرامی(ص) بنیان نهاده بود، و پس از ۲۵ سال به انحراف کشیده شده بود به مسیر و جایگاه اصلی خود بازگرداند؟

پاسخ:

در چهار بخش قبلی پاسخ به این سوال، ضمن تاکید بر الگو بودن شیوه مبارزه امام علی(ع) در رابطه با جامعه فاسد و الهام‌گیری از آن،به ابعاد مبارزه با فساد در دو بعد نظری و عملی اشاره کردیم، و سپس به تفصیل بحث مبارزه با فساد در دو بعد نظری و عملی شامل: ۱- موضوعات مربوط به خودکنترلی ۲- موضوعات مربوط به نظارت و کنترل دقیق بر عملکرد کارگزاران ۳- اقدامات عملی و برنامه اصلاحات و برکناری و عزل کارگزاران دوره عثمانی و دستگاه قضایی و مبارزه با فساد پرداختیم. اینک در ادامه دنباله بحث را پی می‌گیریم.

در فرمان حکیمانه امام(ع) به مالک اشتر، این مسایل، به وضوح قابل ملاحظه و استفاده است: برای داوری میان مردم، برترین افراد خود را برگزین! از کسانی که دارای سعه صدر باشد و امور گوناگون، او را در تنگنا قرار ندهد و مخاصمه و کینه‌توزی دو طرف دعوا، او را به خشم و کج خلقی وا ندارد و در اشتباهاتش پافشاری نکند و چون متوجه اشتباه خود شود، بازگشت به حق و اعتراف به آن، برایش سخت نیاید و نَفْس او، تمایل به طمع نداشته باشد و در فهم مطالب به اندک تحقیق اکتفا نکند، بلکه مسایل را تا پایان دنبال کند، کسی که در شبهات از همه محتاط‌تر باشد و در یافتن حق و استناد به ادله، جدی‌تر باشد و از کثرت مراجعه دو طرف دعوا، کمتر خسته شود و در کشف

امور، از همه صابرتر و شکیباتر باشد و در هنگام روشن شدن حکم و حق، از همه قاطع‌تر باشد. از کسانی باشد که ستایش ستایشگران، او را فریب ندهد و تمجیدهای بسیار، او را از حق متمایل نسازد و عوامل تطمیع و تهدید و تملق و چاپلوسی، او را نفریبد. و البته این چنین نیروهایی، بسیار کم هستند. (نهج‌البلاغه- نامه ۵۳)

آن‌گاه امام(ع) به وظایف حساس زمامدار و حکومت اسلامی در برابر قضات می پردازد و فرمان می دهد که نسبت به قضات یادشده، چگونه باید مراقبت صورت گیرد و احسان و سخاوت به خرج داده شود و اعتبار و منزلت و اقتدار و موقعیت داده شود تا از هرگونه سخن چینی و بداندیشی و طمع دیگران در امان باشند و دیگران نیز در آنان طمع نکنند و دشمنان، نسبت به آنان، مکر نکنند و بداندیشان، مجال تفتین و توطئه و سخن‌چینی نسبت به آنان را نیابند و ... . شرایط و ویژگی‌های قضات، آن چنان که از بیان نورانی امام(ع) استفاده می‌شود، به قرار زیر است:

۱ـ از بهترین و برترین افراد باشند
۲ـ با حوصله و دارای شرح صدر باشند
۳ـ اطلاعات لازم را برای یک قضاوت عادلانه، از زوایای مختلف به دست آورند
۴ـ با شهامت اخلاقی، اشتباهات خود را بپذیرند و آن را جبران کنند
۵ـ زود به خشم نیایند و در مقابل پافشاری دو طرف دعوا، برای احقاق حق، کنترل خود را از دست ندهند
۶ـ روح قدرتمند داشته باشند و از قدرتمندان نترسند
۷ـ عزت نفس و همت عالی داشته باشند و اسیر آز و طمع نگردند
۸ـ ثروتمندان و زورمداران، نتوانند آنان را تطمیع و یا تهدید کنند

ادامه دارد

سلوک عارفانه

مسلمانی که در زمره منافقان است!

(بدان ای سالک راه خدا!) ای عزیز مدعی اسلام، در حدیث شریف کافی از حضرت رسول(ص) منقول است: «المسلم من سلم المسلمون من یده و لسانه» مسلمان کسی است که مسلمانان سالم باشند از دست و زبان او. چه شده است که من و تو به هر اندازه که قدرت داشته باشیم ودستمان برسد، آزار زیردستان را روا می‌داریم، و از ایذا و ظلم به آنها مضایقه نداریم، و اگر با دست نتوانستیم آزارشان کنیم، با تیغ زبان در حضور آنها، وگرنه در غیاب اشتغال به کشف اسرار و هتک استار آنها پیدا می‌کنیم و به تهمت و غیبتشان می‌پردازیم. پس ما که مسلمانان از دست و زبانمان سالم نیستند، دعوی اسلامیتمان مخالف با حقیقت و قلبمان مخالف با عملمان است. پس در زمره منافقان و دورویانیم.[1]

۱- شرح چهل حدیث امام خمینی(ره)، ص ۱۶۱

صفحه معارف روزهای: شنبه، یک‌شنبه
سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱
Maaref@kayhan.ir